Journal of Economic Modeling Research
Print ISSN: 2228 - 6454
Online ISSN: 2538 - 4163
Homepage: https://jemr.khu.ac.ir/

the Effect of Institutional Factors and Economic Growth on Poverty: Spatial Econometric Approach in Selected Asian Countries

Egbal Mirzai[1] | Parvin Alimoradi Afshar[2*] | Ali Fegheh Fajidi[3]

1. Master's degree, Department of Economics, Faculty of Economics, University of Kurdistan,sanandaj, Iran. E-mail: eghbal.mirzai75@gmail.com(0009-0007-0331-2498)
2. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, University of Kurdistan. E-mail: Pam.afshar@uok.ac.ir (0000-0002-9721-7809)
3. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, University of Kurdistan. E-mail: a.f.majidi@gmail.com (0000-0002-2771-0243)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 9 Jan. 2025

Received in revised form:
9 Aug. 2025

Accepted: 8 Oct. 2025

Keywords:
Institutional factors
poverty
Spatial econometrics
conomic growth

JEL:
C21, C23, D31 D62

ABSTRACT

The aim of this study is to examine the relationship between institutional factors and economic growth in poverty in selected Asian countries in the years 1990-2022 using spatial econometrics. Based on the results obtained, the existence of spatial autocorrelation in the region is confirmed; therefore, increasing the quality of institutional factors is not limited to the borders of each country and its effects also extend to neighboring countries. The results of the study show that institutional factors have both positive and significant spatial effects on poverty in the countries under study, both directly and indirectly. The spatial effects of poverty on neighboring and adjacent regions show that an increase in factors affecting poverty in a country can also increase poverty in neighboring countries. Also, economic growth and domestic investment have a positive and significant effect on poverty reduction. Financial development provides low-income people with access to financial and credit resources. The quality of institutional factors improves government performance by affecting freedom of expression and government accountability. Economic growth can create prosperity and opportunity. Strong growth creates new job opportunities, which raise the incomes of the poor and increase their incentives to invest. As a result, policies that accompany economic growth, positive institutional development, and increased domestic investment can have significant effects on poverty reduction within countries and beyond. These policies should focus on sustainable development, creating equal opportunities, and facilitating access to financial resources for the disadvantaged.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Cite this article Mirzai Egbal, Alimoradi Afshar parvin & fegheh majidi Ali. (2024). the Effect of Institutional Factors and Economic Growth on Poverty: Spatial Econometric Approach in Selected Asian. *Journal of Economic Modeling Research*, 15 (57), 80-116.
DOI: 0000000000000000000

© The Author(s). Publisher: Kharazmi University
DOI: 00000000000000000000000000
Journal of Economic Modeling Research, Vol, 15, No. 57, 2024, pp. 80-116.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Journal of Economic Modeling Research
Print ISSN: 2228-6454
Online ISSN: 2538-4163
Homepage: https://jemr.khu.ac.ir/

بررسی اثر عوامل نهادی و رشد اقتصادی بر فقر رهیافت اقتصادسنجی فضایی کشورهای منتخب آسیا

اقبال میرزایی[1] | پروین علی مرادی افشار*[2] | علی فقه مجیدی[3]

۱. کارشناسی ارشد،گروه اقتصاد ، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی،دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
رایانامه: eghbal.mirzai75@gmail.com (0009-0007-0331-2498)
۲. نویسنده مسئول، استادیار،گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی،دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
رایانامه: Pam.afshar@uok.ac.ir (0000-0002-9721-7809)
۳. دانشیار، گروه اقتصاد ، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
رایانامه: a.f.majidi@gmail.com (0000-0002-2771-0243)

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۱۰/۲۰

تاریخ ویرایش:
۱۴۰۴/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش :
۱۴۰۴/۰۷/۱۶

واژه‌های کلیدی:
عوامل نهادی، فقر
اقتصاد سنجی فضایی
رشد اقتصادی

طبقه‌بندی JEL:
C21, C23, D31 D62,

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه عوامل نهادی و رشد اقتصادی بر فقر در کشورهای منتخب آسیا در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۲۲ با استفاده از اقتصادسنجی فضایی است. بر اساس نتایج به دست آمده وجود خودهمبستگی فضایی در منطقه تائید می‌شود؛ بنابراین افزایش کیفیت عوامل نهادی، تنها محدود به مرزهای هر کشور نبوده و اثرات آن به کشورهای مجاور نیز سریز می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل نهادی تأثیرات فضایی مثبت و معناداری را هم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر فقر در کشورهای مورد بررسی دارند. اثرات فضایی فقر بر مناطق همسایه و مجاور نشان می‌دهد که افزایش عوامل مؤثر بر فقر در یک کشور می‌تواند فقر را در کشورهای مجاور نیز افزایش دهد. همچنین، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر کاهش فقر دارد. توسعه مالی باعث دسترسی افراد کم‌درآمد به منابع مالی و اعتباری می‌گردد. کیفیت عوامل نهادی با تأثیرگذاری در زمینه‌های آزادی بیان و پاسخگو بودن دولت باعث بهبود عملکرد دولت می‌شود. رشد اقتصادی می‌تواند رفاه و فرصت ایجاد کند. رشد قوی فرصت‌های شغلی جدید ایجاد می‌کند که باعث افزایش درآمد افراد فقیر می‌شود و انگیزه آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری افزایش می‌دهد. در نتیجه، سیاست‌هایی که به همراه رشد اقتصادی، توسعه نهادی مثبت و افزایش سرمایه‌گذاری داخلی اجرا می‌شوند، می‌توانند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تأثیرات قابل‌توجهی در کاهش فقر در داخل کشورها و سایر مناطق داشته باشند. این سیاست‌ها باید به توسعه دائم، ایجاد فرصت‌های برابر و تسهیل دسترسی به منابع مالی برای افراد محروم توجه کنند.

استناد: میرزایی، اقبال ؛ علی مرادی افشار، پروین، و فقه مجیدی، علی (۱۴۰۳). بررسی اثر عوامل نهادی و رشد اقتصادی بر فقر رهیافت اقتصادسنجی فضایی کشورهای منتخب آسیا، *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۵ (۵۷) ، ۸۰ - ۱۱۶.
DOI: 00000000000000000000000

ناشر: دانشگاه خوارزمی. © نویسندگان.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۱. مقدمه

فقر، وضعیت کسی است که فاقد مقدار معمول یا اجتماعی قابل‌قبول پول یا دارایی‌های مادی است. فقر زمانی به وجود می‌آید که مردم فاقد ابزار برای برآورد کردن نیازهای اساسی خود باشند. تعاریف دیگر فقر با مفاهیم غیراقتصادی ترکیب می‌شود. به‌عنوان‌مثال، فقر با سلامت ضعیف، سطح پایین تحصیلات یا مهارت‌ها، ناتوانی یا عدم تمایل به کار، میزان بالای رفتار مخرب یا بی‌نظمی همراه است (موسسه مطالعات بریتانیک[1]،۲۰۲۳).

امروزه مفهوم فقر گسترش پیدا کرده و تنها محدود به فقر درآمدی نیست، بلکه شامل دسترسی به بهداشت، آموزش، برخورداری از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، و فرصت‌های شغلی می‌شود. به همین دلیل، راه‌های مقابله با فقر نیز افزایش یافته است. متداول‌ترین تعریف از مفهوم فقر، بر مشکلات اقتصادی تمرکز دارد و فقر را بر اساس نابرابری سطح درآمد و خطوط فقر در نظام اقتصادی هر کشور تعیین می‌کند. به‌این‌ترتیب، فقر مفهومی نسبی است. به‌عنوان‌مثال، آستانه فقر برای یک خانواده چهار نفره در ایالات‌متحده حدود ۲۶۵۰۰ دلار در سال است، در حالی که همین مبلغ برای یک خانواده مشابه در اتیوپی یک سی‌وششم این مقدار است. بسیاری از خانواده‌هایی که در کشورهای فقیر جهان زندگی می‌کنند، باید نیازهای اولیه خود را با درآمدی کمتر از ۱.۹ دلار در روز برآورده کنند. در حال حاضر، نزدیک به ۱۰ درصد از جمعیت جهان در شرایط فقر شدید زندگی می‌کنند(بانک جهانی[2]،۲۰۲۴).

این داده‌ها نشان می‌دهند که فقر، فراتر از مسائل مالی، بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و نیازمند رویکردهای جامع‌تری برای مقابله است. تلاش‌های جهانی برای کاهش فقر شامل افزایش دسترسی به آموزش، بهبود خدمات بهداشتی، ارتقای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب می‌باشد. با توجه به این که فقر یک پدیده پیچیده و چندبعدی است، استراتژی‌های مقابله با آن نیز باید چندبعدی و جامع باشند تا بتوانند به طور مؤثر با این مشکل جهانی مبارزه کنند.

[1] The Editors of Encyclopaedia Britannic
[2] word bank

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

داده‌های آماری نشان می‌دهد فقر در آسیا در حال افزایش است و کشورهای آسیایی هنوز با پایان دادن به فقر (۳/۲ دلار به‌طور متوسط در روز) فاصله‌دارند. بر اساس گزارش بانک جهانی، از سال ۲۰۱۴ نرخ فقر در آسیا رشد کرده است. در سال ۲۰۱۴، بیش از ۴۲۰ میلیون نفر در آسیا زیرخط فقر بودند و ۱۳/۸ درصد از جمعیت آسیا درآمدی کمتر از ۳/۲ دلار در روز داشتند. در سال ۲۰۱۸، ۷۸/۶ میلیون نفر در آسیا درآمدی بین ۱/۹ دلار تا ۳/۲ دلار در روز داشتند. همه‌گیری COVID-19 نیز فقر را در آسیا تشدید کرده است، به‌طوری‌که بیش از ۱۵۵ میلیون نفر در سال ۲۰۲۲ به دلیل تأثیرات مرتبط با بیماری همه‌گیر گرفتار فقر شدید شده‌اند (بانک جهانی،۲۰۲۰). درحالی‌که برخی از کشورهای آسیایی گام‌هایی در کاهش فقر برداشته‌اند، برخی دیگر همچنان با چالش‌های مهمی روبرو هستند. تلاش برای رسیدگی به فقر نیازمند رویکردی چندوجهی ازجمله حکمرانی بهتر و اصلاحات اقتصادی است(جئو و ژینگوی[1]، 2022).

ازآنجایی‌که چند صد میلیون نفر در مناطق مختلف آسیا زندگی می‌کنند. ناامیدی در تأمین نیازهای اساسی افراد و خانواده‌ها، باعث تشدید تضادها و درگیری‌های مسلحانه و آشفتگی در سراسر منطقه آسیا شده است و درنهایت منجر به ایجاد تنش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خواهد شد. کاهش فقر یکی شاخص‌های اصلی و مهم در رشد و توسعه اقتصادی بوده و در همه دولت‌ها جز اهداف اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی است. فقیرترین افراد جهان با افزایش هزینه‌های زندگی و بحران‌های متداوم روبرو هستند. تداوم فقر در این کشورها دستیابی به سایر اهداف کلیدی توسعه جهانی را بسیار دشوارتر می‌کند (بانک جهانی،۲۰۲۳). افزایش فقر می‌تواند پیامدهای زیادی را به همراه داشته باشد. به‌عنوان‌مثال افراد فقر تمایلی به مشارکت اجتماعی ندارند و در مؤسسات عام‌المنفعه و داوطلبانه عضو نمی‌شوند. از حضور در فعالیت‌های عمومی مثل فعالیت در نهادها و سازمان‌های بزرگ پرهیز می‌کنند که نشان‌دهنده عوارض ناشی از فقر است. همچنین مسکن نامناسب و بالا بودن نرخ رشد جمعیت یکی از ویژگی‌های خانواده‌های فقیر است که مشکلات ناشی از فقر را تشدید می‌کند(اسدالله و سوویا[2]، 2018). همچنین نبود سیستم تغذیه مناسب و در دسترس نبودن غذای سالم و کافی، می‌تواند باعث افزایش مشکلات

[1] Gao and Jingwei
[2] Asadullah and Savoia

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جسمی و روانی و هزینه‌های درمان برای گروه‌های آسیب‌پذیر و فقیر شود که می‌تواند بر آینده سلامت فرد و حتی شغل فرد تأثیرگذار باشد و باعث کاهش کیفیت یادگیری کودکان، ترک تحصیل و نداشتن امکانات لازم برای دسترسی به تحصیلات تکمیلی می‌شود. ازلحاظ اجتماعی، احساس محرومیت و شکست و ترد شدن از جامعه، بیکاری و دستمزدهای کم‌تر به دلیل نبود تخصص، مهارت و تجربه کافی از دیگر پیامدهای فقر است. فقر به یکی از چالش‌های بزرگ جهان تبدیل‌شده است که اکثر کشورهای آسیایی با آن روبه‌رو هستند. هرچند در چند دهه اخیر توانسته‌اند به فناوری و افزایش بهره‌وری در زمینه‌های تولید دست یابند، اما درصد بالایی از جامعه آن‌ها همچنان در فقر زندگی می‌کنند). (لئو و همکاران[1]، ۲۰۲۱). نگرانی فعلی در مورد فقر مزمن افزایش‌یافته در بسیاری از کشورهای جهان درحال‌توسعه، نیاز به درک عمیق‌تر نه‌تنها تعداد فقرا بلکه ماهیت فقر دارد. این مسئله به‌طور گسترده‌ای تأثیر مخربی بر زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان دارد و اهمیت آن ازآنجاست که تأثیرات آن بیشتر از محدوده اقتصادی به حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گسترش‌یافته است. کاهش فقر ازجمله چالش‌های اساسی اقتصادی و اجتماعی در جوامع جهانی است. ازاین‌رو، بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فقر اهمیت بسیاری دارد. یکی از راه‌های کاهش فقر وجود بنیان‌های نهادی و مؤسسات است. پس از نیمه دوم قرن بیستم مطالعات متعددی با توجه به نقش رویکرد نهادی و سیاسی به کاهش فقر انجام‌شده است. بر اساس این مطالعات وجود نهادها و مؤسسات قوی باعث جذب سرمایه‌گذاری، بهبود فنّاوری و اشتغال و درنتیجه افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود؛ بنابراین وجود نهادها عامل اصلی رشد و توسعه کشورها هستند (عجم اغلو و همکاران[2]،۲۰۰۵). وجود نهادها و مؤسسات می‌تواند تفاوت کشورها در رفاه، رشد و توسعه و رفاه اقتصادی را توضیح دهند. نهادها با ایجاد یک ساختار باثبات در اقتصاد و جامعه باعث به کاهش ریسک و نا اطمینانی و درنتیجه کاهش هزینه‌های مبادله می‌شوند. به‌طور خلاصه، درک تأثیر متقابل بین عوامل نهادی، پویایی فضایی و کاهش فقر برای طراحی سیاست‌ها و مداخلات مؤثر ضروری است. در این پژوهش هدف پاسخ‌گویی به این پرسش است، عوامل نهادی و رشد اقتصادی چگونه می‌تواند باعث کاهش فقر در کشورهای منتخب آسیا شوند.

[1] Luo et al,
[2] Acemoglu et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲. مبانی نظری

اثر نهادها و مؤسسات بر فقر

نهاد مفهومی گسترده است که تعاریف متعددی دارد و این واژه معنای نسبتاً پیچیده‌ای دارد.(نورث[1]، ۱۹۸۱)بیان می کند که نهادها قواعد بازی در جامعه هستند. نهادها نقش مهم و تعیین کننده‌ای در مبادلات اقتصادی و اجتماعی دارند. اقتصاددانان به دلیل نقش مهم آن به تأثیر نهادها بر پدیده‌ها و فعالیت‌های اقتصادی توجه کردند. این توضیح مربوط به نهادگرایان قدیم بود.هودگسون[2]،(۲۰۰۶) نهادها را به‌عنوان سیستمی از قوانین ثابت و مشترک در جامعه تعریف می کند که تعاملات، سیستم های اجتماعی را ساختار می‌دهد. بر اساس این تعریف، زبان، پول، قانون، عادات غذایی، بنگاه‌ها و سایر سازمان‌ها همه به‌عنوان نهادها محسوب می‌شوند. در تبیین مفهوم نهاد بر سه مقوله قواعد، توانایی تدوین و هنجار بنیاد تأکید می کند، به‌طوری‌که نهاد را نوع خاصی از ساختار اجتماعی می‌داند که قواعد رفتار و تفسیر است(جئوفریر[3]،۲۰۰۶). علاوه بر اینکه عوامل متعددی مانند عوامل جغرافیایی ممکن است بر عملکرد اقتصادی تأثیرگذار باشند، اختلافات در نهادهای اقتصادی به‌عنوان منبع اصلی اختلافات بین کشورها در رشد اقتصادی و موفقیت یک کشور مطرح می‌شود. وجود نهادها باعث افزایش انگیزه فعالین اقتصادی می‌شود و سازمان‌دهی فعالیت‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری، تکنولوژی، و تولید را تسهیل می‌دهد(دونگ و همکاران[4]،۲۰۲۱). نهادهای اقتصادی نه‌تنها تعیین کننده موفقیت رشد اقتصادی یک کشور هستند، بلکه در نتایج اقتصادی مختلف ازجمله توزیع منابع (مانند توزیع ثروت، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) نیز نقش اساسی دارند. نهادهای اقتصادی کارا، به دلیل تأمین حقوق مالکیت برای تمام افراد، انگیزه سرمایه‌گذاری، نوآوری، و فعالیت‌های اقتصادی در تولید را افزایش می‌دهند. این عوامل می‌توانند عوامل کلیدی برای موفقیت و توسعه اقتصادی در یک کشور باشند. وجود نهادهای اقتصادی برای تضمین فرصت‌های برابر در جامعه امری ضروری است، زیرا این فرصت‌ها افراد را قادر می‌سازد تا با ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، زمینه اشتغال، تولید، و در نهایت رشد اقتصادی را فراهم کنند. عوامل نهادی

[1] North
[2] Hodgson
[3] Geoffrey
[4] Dong et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مؤثر مانند حکومت شفاف و کارآمد، حقوق مالکیت قوی، و نظم قانونی، اگر حضور داشته باشند، بهبود قابل‌ملاحظه‌ای در کاهش فقر خواهند داشت.مؤسسات و نهادهای ضعیف می‌توانند فعالیت اقتصادی را غیرمولد کنند که این موضوع می‌تواند رشد بلندمدت را تضعیف و فقر را افزایش دهد. به عبارت دیگر، نهادهای کارآمد قادرند جامعه را به سمت رشد و توسعه پایدار هدایت کنند، در حالی که نهادهای ناکارآمد و ضعیف ممکن است اقتصاد را آسیب‌پذیر کرده و عدم توسعه اقتصادی را توجیح دهند. این امر اهمیت چارچوب نهادی را درروند کاهش فقر نشان می‌دهد. کیفیت مؤسسات و نهادهای یک اقتصاد می‌تواند به‌عنوان عامل اصلی کاهش فقر عمل کنند(ستیگلیز[1]،۲۰۱۱: دلار و کرایی[2]،۲۰۰۰: راوالیان و چن[3]،۲۰۰۳). نهادی‌های دولتی جنبه‌های بسیاری را پوشش می‌دهند، مانند ارائه عمومی خدمات آموزشی و بهداشتی اولیه، نظم و امنیت عمومی و زیرساخت‌ها. ماهیت حکومت را در دسترس بودن و کیفیت این خدمات عمومی و درنتیجه میزان دسترسی فقرا به آن‌ها تعیین می‌کند. نهادهای غیردولتی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند. یک‌نهاد اجتماعی کلیدی سرمایه اجتماعی است که متشکل از هنجارهای غیررسمی یا روابط تثبیت‌شده است که افراد را قادر می‌سازد تا اهداف را دنبال کنند و در جهت منافع مشترک عمل کنند. سرمایه اجتماعی به‌ویژه برای فقرا اهمیت دارد. نقش‌های قومیتی و جنسیتی که منجر به تبعیض علیه اقلیت‌ها وزنان می‌شود. دیگر نهادهایی هستند که زیربنای فقر و نابرابری هستند(لیو و همکاران[4]،۲۰۰۵). استراتژی نهادها و سیاست‌ها برای کاهش فقر در کشورهای آسیایی برسه رکن استوار است: حمایت از فقرا، رشد پایدار، توسعه اجتماعی.

عوامل نهادی باعث تقویت مشارکت گروه‌هایی کم‌درآمد در فرایندهای سیاسی، تصمیم‌گیری‌های محلی می‌شود که می‌تواند بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار باشد. حکمرانی خوب و پاسخگویی باعث توسعه انسانی می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که فرآیندهای نهادی راه را برای فساد، بی‌ثباتی سیاسی و سایر بی‌نظمی‌هایی که حقوق مالکیت را تضعیف می‌کند هموار می‌کند و درنتیجه باعث افزایش نابرابری

[1] Stiglitz
[2] Dollar & Kraay
[3] Ravallion& Chen
[4] Liu et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

درآمدی در این کشورها می‌شود. اقتصاددانان نهادی مانند نور (1990) نشان داده‌اند که عملکرد مناسب اقتصاد بازار وابسته به نهادهای مناسبی است که هنجارهای اجتماعی را تجسم می‌کنند.

به‌طورکلی موضوع چگونگی تأثیر نهادها بر توزیع درآمد و فقر یک بحث قابل‌توجه در ادبیات اقتصادی برای بیش از چهار دهه بوده است، زیرا اکثر محققان بر این باورند که شکست اصلاحات اقتصادی ممکن است با حفاظت از منافع نخبگان اقتصادی و اجتماعی به‌جای حمایت از فقرا و محرومان، شرایط سیاسی را به خطر بیندازد(باتوئو و آسونگو[1]،2015). علاقه اخیر جامعه بین‌المللی و محققین به نهادها هم‌زمان با تغییر الگو در امور جهانی به کنترل فساد و شفافیت در مبارزه با فقر و فرصت‌های نابرابر در کشورهای درحال‌توسعه است. این مبارزه با معرفی نسل دوم اصلاحات آغاز شد که محدودیت‌های ساختاری و نهادی، مانند بهبود در محیط‌های قانونی، نظارتی و سایر محیط‌های نهادی را هدف قرار می‌داد. علیرغم دانش محدود و شواهد غیرقطعی در مورد رابطه متقابل بین نهادها و فقر، به‌طور گسترده پذیرفته‌شده است که نهادهای ضعیف تأثیر مخربی بر توزیع درآمد و کاهش فقر دارند. وضعیت کشورهای فقیر به دلیل شکست‌های سازمانی بدتر می‌شود. درواقع: استدلال می‌کنند که کیفیت ضعیف مؤسسات، امنیت حقوق مالکیت را به خطر می‌اندازد. این عدم اطمینان در مورد حقوق مالکیت می‌تواند سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش و منجر به کاهش تولید و افزایش نرخ فقر شود(میلی و همکاران[2]،۲۰۲۳). در کشورهای فاقد نهاد و مؤسسات سیاسی و اجتماعی فقر پایدار می‌شود و در این کشورها سیاست‌های مبارزه با فساد نمی‌تواند نابرابری درآمد و فقر را کاهش دهد ([3]گوپتا و همکاران، 1998). فقر را نمی‌توان فقط به عوامل اقتصادی مرتبط دانست، بلکه با عوامل غیراقتصادی، به‌ویژه کیفیت نهادی، ارتباط غیرقابل‌انکاری دارد: بنابراین، می‌توان دلایل شکست کشورهای درحال‌توسعه در دستیابی به اهداف اقتصادی را در نبود نهادها و مؤسسات در این کشورها توضیح داد(جونز[4]،۱۹۸۱) نبود نهادها و مؤسسات قوی در آسیا می‌تواند سطح فقر در این منطقه را توضیح دهد. درواقع، بیشتر کشورهای آسیایی ضعف‌های نهادی در آن‌ها وجود دارد، عموماً با درگیری‌های مداوم و سطوح بالای بی‌ثباتی سیاسی،

[1] Batuo & Asongu
[2] Milli and et al
[3] Gupta et al
[4] Jones

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

حکمرانی ضعیف روبه‌رو هستند. زیرساخت‌های فیزیکی نامناسب، سطح پایین سرمایه انسانی و محدودیت‌های ساختاری و اقتصادی که مشخصه عمیق ضعف نهادی را نشان می‌دهند. کیفیت نهادی از طریق ناکارآمدی بازار و تخصیص نادرست منابع بر سطح فقر تأثیر می‌گذارد(تابلینی و موهان[1]،۲۰۱۰).کیفیت ضعیف نهادی امنیت حقوق مالکیت را تضعیف می‌کند که تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی دارد و باعث افزایش فقر می‌شود(چونگ و گرادستین[2]،۲۰۰۷: چونگ و کالدیرون[3]، ۲۰۰۰). برای مثال ذینفعان فرار مالیاتی و معافیت مالیاتی (درنتیجه فساد) به‌احتمال‌زیاد ثروتمند هستند و این به این معنی است که کل بار مالیاتی بر دوش فقرا می‌افتد(آندرس و دوبسون[4]،۲۰۱۱) . ضعف عوامل نهادی در کشورهای آسیا باعث رشد اقتصادهای سایه در این کشورها شده است، فساد اداری، مالیات‌های بالا، محدودیت‌های اعتباری و تشریفات اداری در یک کشور این رشد را تشدید می‌کنند(ویلیامز و شنایدر[5]،۲۰۱۶). بر این اساس نقش نهادها در کاهش فقر، خطری را که نهادهای بی‌کیفیت برای دست‌یابی به اهداف توسعه ایجاد می‌کنند، نمایان می‌کند: بنابراین، بررسی اثر عوامل نهادی بر کاهش فقر در آسیا می‌تواند دارای اهمیت ویژه‌ای برای مبارزه با فقر در منطقه و کمک به سیاست‌گذاری کلان اقتصادی باشد(کهو[6]،۲۰۱۲: پررا و لی[7]،۲۰۱۳). نورث با تأکید بر اهمیت متغیرهای نهادی معتقد است اختلافات درآمدی بین کشورها را می‌توان باوجود نهادهای کارا توضیح داد و درباره علت‌های رشد کشورهای توسعه‌یافته و عقب‌ماندگی کشورهای توسعه‌نیافته نظریه جدید مطرح می‌کند. نورث علت تداوم فقر در کشورهای فقیر را نبود یا محدودیت‌های نهادی موجود در ساختار اقتصادی را که منجر به عدم تشویق فعالیت‌های تولیدی می‌داند. هم‌چنین معتقد است وجود نهادهای اقتصادی خوب منجر به کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش بهره‌وری از طریق تخصصی کردن فعالیت‌ها و فرآیند مبادله می‌شوند. از دیدگاه نورث شرط لازم برای کارایی نهادها وجود حاکمیت باثبات و برقراری امنیت و ثبات اجتماعی-سیاسی است؛ بنابراین، هرچه نهادها و مؤسسات کارایی و ثبات بیشتری داشته باشند

[1] Tebaldi & Mohan
[2] Chong and Gradstein
[3] Chong and Caldéron
[4] Andres & Dobson
[5] Williams & Schneider
[6] Keho
[7] Perera & Lee

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تخصیص منابع و توزیع درآمد و ثروت کاراتر و نتیجه آن شکوفایی اقتصادی و رشد و توسعه نظام اجتماعی افزایش می‌یابد (نورث،۲۰۰۵). مطالعات بسیار کمی رابطه بین نهادها و فقر را بررسی کرده‌اند. از میان آن‌ها، هر چه کیفیت و کارایی نهادهای یک کشور بالاتر باشد، سطح، بروز و شدت فقر کمتر است و فقر در کشورهای دارای ناآرامی اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی نسبتاً بالا است.

رشد اقتصادی

بر اساس ادبیات اقتصادی یکی از عوامل مؤثر بر کاهش فقر رشد اقتصادی است. مبارزه با فقر، هدف اولیه توسعه مدرن اقتصادهای قرن بیست و یکم است. رابطه فقر و رشد اقتصادی در مرکز تحقیقات فیلسوفان اقتصادی حتی در یونان باستان، روم، هند، مصر و بابل بوده است. تجزیه‌وتحلیل فقر و رشد اقتصادی در طول زمان، به‌ویژه در دهه گذشته، به‌شدت تغییر کرده است. نگرش در مورد نقش رشد در کاهش فقر مانند دهه ۱۹۵۰ یا ۱۹۷۰ نیست. نظریه‌های سنتی توسعه جدا از پدیده‌های رشد و فقر موردمطالعه قرارگرفته‌اند. چنین دیدگاه برون‌گرایانه‌ای از بحث‌های اولیه نیمه دوم قرن بیستم منجر به تحمل نابرابری در درآمد و افزایش فقر شد بر اساس این فرض که رشد به‌طور خودکار فقر را از بین می‌برد(سکاره و همکاران[1]،۲۰۱۶). حداقل دو قرن پیش با ظهور سرمایه‌داری صنعتی و اقتصاددانان سیاسی مانند آدام اسمیت، کارل مارکس و جان استوارت نظریات اقتصادی توسعه یافت. آنان انباشت سرمایه و تولید را وسیله‌ای برای از بین بردن بدبختی و فقر می‌دانستند. درواقع، عدم رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها در طول دهه ۱۹۹۰ منشأ ناتوانی این کشورها در مبارزه با فقر بوده است. همچنین، در مناطق با سریع‌ترین رشد اقتصادی (کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای جنوب آسیا) بیشترین کاهش فقر درآمدی گزارش‌شده است(گزارش رشد و توسعه جهانی[2] (۲۰۰۸). بررسی عوامل تأثیرگذار بر فقر، به دلیل تأثیر فقر بر جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارای اهمیت است. فقر می‌تواند باعث بیکاری گسترده، تغییرات جمعیتی، مشکلات ساختاری، رکود، شود و اقشار محروم از پیشرفت‌های موجود در جامعه محروم بمانند. سطوح بالای فقر درآمدی ویژگی اساسی بسیاری از کشورهای آسیا است. رشد اقتصادی در کشورها می‌تواند بهبودی در شرایط اقتصادی عمومی و کاهش فقر به همراه

---

1) Škare et al

2 Growth & Development Report

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

داشته باشد. افزایش تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌تواند به افزایش درآمد خانوارها و کاهش فقر کمک کند (گیدبی[1]،۲۰۲۳).

همچنین، رشد اقتصادی می‌تواند منجر به افزایش منابع مالی دولت شده و این منابع را برای ارائه خدمات عمومی و برنامه‌های رفاهی موردنیاز به کار ببرد که درنهایت می‌تواند به کاهش فقر کمک کند. دیدگاه‌های متفاوتی درزمینهٔ تأثیر رشد بر فقر وجود دارد(سعیدی و همکاران[2]، ۲۰۲۳). مؤسسات بین‌المللی مانند بانک جهانی از سیاست‌های اقتصادی افزایش رشد حمایت می‌کند تا فرصت‌های لازم برای افزایش درآمد افراد فقیر به وجود آید و فرضیه کوزنتس (۱۹۵۵) را تأیید می‌کند که رشد اقتصادی منجر به کاهش فقر می‌شود(وانگ و همکاران،[3]2023). رشد اقتصادی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر کاهش فقر است که بهبود نحوه توزیع درآمد در کاهش فقر تأثیرگذاری زیادی خواهد داشت. رشد اقتصادی، متوسط درآمد را افزایش می‌دهد(خداپرست و داودی[4]،2014). هر برنامه عملی برای ریشه‌کنی فقر و مستلزم شناخت عوامل مؤثر بر آن، اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب برای مقابله با آن و اجرای موفقیت‌آمیز این سیاست‌ها و برنامه‌ها است(زنوز[5]،2005). رودریک[6](2000)، آدامز[7](2004)، پاناگریا[8](2010 ,) و راویلون و چن[9](2007) نشان می‌دهند که بدون رشد اقتصادی سریع و پایدار، فقر در کشورهای فقیر کاهش نمی‌یابد. (چنر[10]، 1974) اشاره کرد که اگرچه متوسط درآمد سرانه جهان سوم از سال ۱۹۶۰ تاکنون ۵۰ درصد افزایش‌یافته است، اما واضح است که چنین رشد سریعی برای شاید یک‌سوم جمعیت آن‌ها سود چندانی نداشته است. به دلیل توزیع بسیار نابرابر بین کشورها، مناطق درون کشورها و گروه‌های اجتماعی-اقتصادی، سیاست رشد و ایده رشد کل زیر سؤال رفت. با پایان سال‌های رشد سریع دهه ۷۰ و افزایش چشمگیر فقر و نابرابری در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، آشکار شد که نمی‌توان رشد

[1] Gidigbi
[2] Saidi, et al
[3] Wang, et,al
[4] Khodaperst & Daudi
[5] zenooz
[6] Rodrik
[7] Adams
[8] Ravallion & Chen
[9] Panagariya
[10] Chener

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

را جدا از فقر بررسی کرد و نیازی نیست که اقتصادها بدون قید و شرط همگرا شوند. مشارکت‌های نظری جدید دهه‌های ۸۰ و ۹۰ دو پدیده را به هم متصل می‌کنند و بر رویکردی واحد به رشد اقتصادی و فقر تأکید می‌کنند،(دات و راویلیون[1]،1992،؛کاکوانی،1993[2] ؛ پرسون و تابلینی[3]،1994) و بسیاری دیگر. رشد اقتصادی قدرتمندترین ابزار برای کاهش فقر، نابرابری و بهبود کیفیت زندگی در کشورهای درحال‌توسعه است. هم تحقیقات بین‌کشوری و هم مطالعات موردی کشوری شواهد قاطعانه‌ای ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد رشد سریع و پایدار برای پیشرفت سریع‌تر به سمت اهداف توسعه هزاره حیاتی است. رشد قوی نه‌تنها می‌تواند نسبت جهانی مردمی که با درآمد کمتر از ۱ دلار در روز زندگی می‌کنند را نصف کند، بلکه می‌تواند رفاه را افزایش داده و فرصت‌های جدیدی ایجاد کند. این رشد، انگیزه والدین را برای سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندانشان با فرستادن آن‌ها به مدرسه تقویت می‌کند، که ممکن است به ظهور گروهی قوی از کارآفرینان منجر شود که برای بهبود حکمرانی فشار وارد می‌کنند. بنابراین، رشد اقتصادی قوی باعث پیشرفت توسعه انسانی می‌شود که به‌نوبه خود موجب رشد اقتصادی بیشتر خواهد شد.(آسونک و ایتا[4]،2023)؛ اما در شرایط مختلف، نرخ‌های رشد مشابه می‌تواند اثرات بسیار متفاوتی بر فقر، چشم‌انداز اشتغال افراد ضعیف و شاخص‌های گسترده توسعه انسانی داشته باشند. میزانی که رشد اقتصادی فقر را کاهش می‌دهد به میزان مشارکت فقرا در فرآیند سهیم شدن در عواید آن بستگی دارد: بنابراین، هم سرعت و هم الگوی رشد اقتصادی برای کاهش فقرا اهمیت دارد. یک استراتژی موفق کاهش فقر باید اقدامات اصلی خود را برای ترویج رشد اقتصادی سریع و پایدار اقتصادی داشته باشد. چالش سیاست، ترکیب سیاست‌های تقویت‌کننده رشد اقتصادی باسیاست‌هایی است که به فقرا اجازه می‌دهد تا به‌طور کامل در فرصت‌های آزادشده شرکت کنند و به این رشد کمک کنند(سرین[5]،2024).

تحقیقاتی که تجربیات طیف وسیعی از کشورهای درحال‌توسعه را باهم مقایسه می‌کند، نشان می‌دهد که رشد سریع و پایدار یکی از مهم‌ترین عوامل برای کاهش فقر است. یک مطالعه بین کشوری نشان

[1] Datt &Ravallion
[2] Kakwani
[3] Person & Tabellini
[4] Asongu and Eita
[5] Sirén

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

می‌دهد که افزایش ۱۰ درصدی در متوسط درآمد یک کشور نرخ فقر را بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش می‌دهد. شواهد نشان می‌دهد که رشد سریع اقتصاد بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۲۰۰۱ برای کاهش شدید فقر بسیار مهم بوده است(بانک جهانی،2002). رشد اقتصادی فرصت‌های شغلی و درنتیجه تقاضای بهتر برای نیروی کار که اصلی‌ترین و اغلب تنها دارایی فقرا است، ایجاد می‌کند؛ و افزایش اشتغال با ایجاد رشد بالاتر ضروری به نظر می‌رسد. لذا توجه و نگرشی نو و در نظر گرفتن اثرات منطقه‌ای به موضوع فقر و عوامل تأثیرگذار بر آن ضروری به نظر می‌رسد.

۳. پیشینه تحقیق

(ایوبی[1]،2021) به بررسی رابطه بین کیفیت نهادی و رشد اقتصادی دو گروه از کشورهای منتخب منا دارای کیفیت نهادی قوی و ضعیف در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ با استفاده از تکنیک گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت نهادی مانع از تأثیرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و باز بودن تجارت بر رشد سرانه می‌شود. بااین‌حال بهبود کیفیت نهادی می‌تواند رقابت ناشی از گشایش تجارت را در مناطقی که سرمایه‌گذاری خارجی برای بهینه‌سازی اثر سرریز آن‌ها انجام می‌دهد، کاهش می‌دهد. (قهرمانی[2]،2018) نقش کیفیت نهادی در اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر شکاف فقر در ایران با استفاده روش گشتاورهای تعمیم‌یافته طی بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ موردبررسی قرار داده است. نتایج برآورد الگو نشان می‌دهد که تحریم بانک مرکزی ایران و تحریم چندجانبه فروش نفت بر شکاف فقر تأثیر مثبت داشته است. به‌عبارت‌دیگر وجود تحریم‌ها منجر به افزایش شکاف فقر در ایران شده است. همچنین بهبود کیفیت نهادی طی دوره موردبررسی باعث کاهش شکاف فقر شده است. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بهبود کیفیت نهادی می‌تواند اثر منفی تحریم‌های بانک مرکزی و نفتی بر شکاف فقر را کاهش دهد.

(به‌نژاد[3]،2017) نقش شرایط نهادی در تأثیر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد سرانه متوسط و بالا به روش پانل آستانه‌ای برای مدل فقر و دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۲ برای نابرابری درآمدی موردبررسی قرار داده است. برای اندازه‌گیری کیفیت نهادی از شاخص کلی حکمرانی خوب

[1] Ayubi
[2] Kahrami
[3] Behnejad

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

که با استفاده از میانگین موزون شش شاخص حکمرانی بانک جهانی به‌دست‌آمده، استفاده‌شده است. نتایج نشان می‌دهند که بهبود شرایط نهادی باعث تأثیر بهتر رشد اقتصادی بر کاهش فقر و نابرابری می‌شود.(اسدزاده و همکاران[1]،2013) به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی بر کاهش فقر با استفاده از اقتصادسنجی پانل تصادفی در کشورهای حوزه مناطی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ پرداختند. در این مطالعه از شاخص توسعه انسانی به‌عنوان شاخص کاهش فقر استفاده‌شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی مناسب اثر مثبت و مشخصی روی کاهش فقر و افزایش رفاه دارند.

لابونی و همکاران[2](۲۰۲۴) به بررسی روابط بین کیفیت نهادی، توسعه مالی، و ابتکارات مبارزه با فقر در کشورهای جنوب آسیا با استفاده از مدل داده های تابلویی با اثرات ثابت برای هفت کشور جنوب آسیا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ پرداختند نتایج نشان می دهد افزایش توسعه باعث کاهش فقر می شود و کیفت نهادی نقش موثری را در کاهش فقر در جنوب آسیا دارد.

اتووا و همکاران[3](۲۰۲۲) توسعه مالی، بهبود نهادی، کاهش فقر در غرب آفریقا با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح‌شده در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۱۹ موردبررسی قراردادند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات، کنترل فساد، اثربخشی دولت، ثبات و کنترل عرضه پول می‌تواند فقر را کاهش دهد. این مطالعه پیشنهاد می کند که سیاست‌گذاران باید محیط نهادی و توسعه مالی را برای کاهش فقر در غرب آفریقا تقویت کنند. لابیدی و همکاران[4](۲۰۲۲) به بررسی سه‌گانه فقر گسترده، رشد اقتصادی و نابرابری درآمد با استفاده از مدل خود رگرسیون برداری و داده‌های پانلی برای ۵۶ کشور آسیای جنوبی و آفریقای جنوب صحرا از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمدی دارد. همچنین، بین رشد اقتصادی و فقر گسترده رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

[1] Asadzadeh et at
[2] Labony et al
[3] Otoo et al
[4] Labidi et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اولاویا[1](۲۰۲۲) به بررسی نرخ رشد اقتصادی بالا و نرخ پایین کاهش فقر در جنوب صحرای آفریقا با استفاده از داده‌های پانل متشکل از ۴۰ کشور SSA در یک دوره ۳۰ ساله با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداختند. این مطالعه نشان داد که رشد اقتصادی منجر به کاهش فقر نشده است. همچنین، نابرابری درآمدی اثر رشد اقتصادی بر فقر را بدتر می‌کند و دولت‌های این مناطق، به‌ویژه در کشورهای صادرکننده نفت، باید درآمدهای نفتی به شکل درون‌زا و به توسعه بخش خدمات هدایت کنند تا فقر در منطقه کاهش یابد.

ارلاندو و همکاران[2](۲۰۲۲) به بررسی توسعه مالی، رشد اقتصادی و کاهش فقر در شرق اندونزی با استفاده از خودرگرسیون برداری پانل پویا در سال‌های ۲۰۱۶ -۲۰۱۰ پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از سطح ارتباط بالای توسعه مالی، رشد اقتصادی، فقر و توزیع درآمد در شرق اندونزی است. رشد اقتصادی و اجتماعی تأثیر مثبتی بر سطح توسعه مالی و تأثیر منفی بر فقر دارد. در همین حال، توسعه مالی تأثیر مثبتی بر نابرابری دارد که منجر به نابرابری درآمدی گسترده در شرق اندونزی می‌شود.

ژانگ و ناکور[3](۲۰۱۹) توسعه مالی، نابرابری و فقر در ۱۴۳ کشور درحال‌توسعه و توسعه‌یافته با استفاده از مدل رگرسیون خطی موردبررسی قراردادند. نتایج نشان می‌دهد چهار بعد از پنج بعد توسعه مالی (دسترسی، عمق، کارایی و ثبات) می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی نابرابری و فقر را کاهش دهد. همچنین، آزادسازی مالی باعث افزایش نابرابری و فقر می‌شود و توسعه بانکداری نسبت به توسعه بازار سهام تأثیر قابل‌توجهی بر توزیع درآمدنشان می‌دهد.

٤. مدل تحقیق و روش برآورد

تحقیق مدل استفاده‌شده در این پژوهش مدل اولیه در این پژوهش برگرفته از مدل اوتاتی (۲۰۲۳) به شرح زیر است:

$$Pov_{it} = \theta_0 + \theta_1 Y_{it} + \theta_2 Ins_{it} + \theta_3 FO_{it} + DO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

[1] Olaoye
[2] Erlando et al
[3] Zhang & Naceur

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول (10): معرفی متغیرها

نماد	متغیر	توضیحات/ پایگاه داده‌ای
Pov_{it}	فقر	مصرف سرانه نهایی (دلار)
Ins_{it}	عوامل نهادی	شاخص‌های دموکراسی، کیفیت بوروکراسی، رعایت قانون، ثبات دولت و کنترل فساد
Y_{it}	رشد اقتصادی	نرخ تولید ناخالص داخلی
DO_{it}	سرمایه‌گذاری داخلی	نسبت به تولید ناخالص داخلی
FO_{it}	سرمایه‌گذاری‌خارجی	نسبت به تولید ناخالص داخلی

شاخص فقر: با توجه به محدودیت داده‌های فقر در آسیا، از مصرف سرانه نهایی [1]خانوار به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری فقر استفاده شد. این شاخص که توسط بانک جهانی پیشنهاد شده است، فقر را به‌عنوان ناتوانی در دست‌یابی به حداقل استانداردهای زندگی تعریف می‌کند که بر اساس نیازهای مصرفی اولیه اندازه‌گیری می‌شود(یودین و همکاران [2]، 2014:کهو [3]، 2017)

رشد اقتصادی: سرانه رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی به‌عنوان شاخص رشد اقتصادی.

عوامل نهادی: متغیرهای عوامل نهادی از پنج متغیر نهادی از پایگاه بین‌المللی ریسک کشوری با استفاده از شاخص‌های دموکراسی (Demit)، کیفیت بوروکراسی (Burit)، رعایت قانون (Lawit)، ثبات دولت (Stait) و کنترل فساد (Corit) اندازه‌گیری شده است.

متغیرهای کنترل: به ترتیب شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FOit)، سرمایه گذاری داخلی (DOit: سرمایه‌گذاری داخلی به تخصیص منابع مالی توسط افراد، شرکت‌ها، یا دولت‌ها در داخل کشور اشاره دارد. این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند شامل مواردی مانند ایجاد یا گسترش کسب‌وکارها، احداث زیرساخت‌ها، خرید تجهیزات و ماشین‌آلات، تحقیق و توسعه، و آموزش و

[1] consumption per capita
[2] Uddin et al
[3] Keho

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

پرورش باشد)، نرخ رشد جمعیت (PGit) و شاخص توسعه مالی (FIit) می‌شود. εو V اجزا جز اخلال و t زمان i ویژگی خاص هر کشور است.

٤-۱. آمار توصیفی متغیرها

نتایج آمار توصیفی در جدول (۲) برای متغیرهای تحقیق برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۲۲ برآورد شده است و تفسیر آن به‌صورت زیر است.

جدول (۲): نتایج آمار توصیفی

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
Pov_{it}	۴۶۵	۴/۵۷۷	۷/۱۶۶	۴۳/۰۱۱(امارات، ۲۰۰۴)	۳۳۶ (تاجیکستان، ۱۹۹۶)
Y_{it}	۴۶۵	۴.۵۴۶	۸.۲۴	۲۶/۱۷(قطر، ۲۰۰۶)	۳۳-(عراق، ۲۰۰۳)
Cor_{it}	۴۶۵	۴۶/۷۰۰	۲۷/۱۹۰	۹۴/۶۲۴(امارات، ۲۰۱۹)	۰/۵۳۴(عراق، ۱۹۹۶)
Law_{it}	۴۶۵	۴۲/۵۱۶	۲۴/۹۹۲	۸۸/۴۴۲(تاجیکستان، ۱۹۹۶)	۰/۴۸۰(عراق، ۲۰۰۴)
Sta_{it}	۴۶۵	۳۲/۷۸۲	۲۳/۶۴۴	۹۲/۴۶۲(قطر، ۲۰۰۳)	۰/۴۷۳(عراق، ۲۰۱۰)
Bur_{it}	۴۶۵	۲۳/۳۰۱	۱۱/۲۴۴	۵۹/۲۸۱(هند، ۲۰۱۹)	۰/۰۷۹(پاکستان، ۱۹۹۸)
Dem_{it}	۴۶۵	۵/۳۹۵	۱/۳۴۱	۸(پاکستان، ۲۰۱۹)	۳(ترکیه، ۲۰۰۳)
DO_{it}	۴۶۵	۲۶/۹۷۰	۹/۱۳۳	۵۱/۹۳۱(ترکمنستان، ۲۰۱۱)	۱۲/۸۸۰-(عراق، ۱۹۹۱)
FO_{it}	۴۶۵	۲/۷۱۵	۳/۵۴۷	۲۳/۵۳۷(اردن، ۲۰۰۶)	۴/۵۴۱-(عراق، ۲۰۱۵)

منبع: محاسبات پژوهش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

٤-۲. آزمون‌های تشخیصی:

الف: آزمون مانایی متغیرها

در این پژوهش همان‌طور که در مطالب قبلی بیان شد از داد های پانل استفاده‌شده است که دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۲ موردبررسی قرارگرفته است برای اجتناب از روند تصادفی و رگرسیون کاذب میان متغیرها آزمون مانایی صورت گرفته است و نتایج در جدول (۳) نمایش داده‌شده است که تمامی متغیرها در سطح ۵ درصد مانا هستند: بنابراین در این تحقیق از متغیرهای اصلی بدون هیچ تغییری در مدل استفاده‌شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی داده‌ها

متغیر	آزمون	مقدار آمار احتمال	
Pov_{it}	LLC	-۲/۸۱۶۱	۰/۰۰۲۴
Y_{it}	LLC	-۲/۳۱۶۲	۰.۰۱۰۳
Cor_{it}	LLC	-۲/۸۳۷۲	۰.۰۰۲۳
Law_{it}	LLC	-۵/۸۰۷۰	۰.۰۰۰۰
Sta_{it}	LLC	-۱/۸۶۴۲	۰.۰۳۱۱
Bur_{it}	LLC	-۲/۰۴۹۸	۰.۰۲۰۲
Dem_{it}	LLC	-۱/۹۷۳۵	۰.۰۲۴۲
DO_{it}	LLC	-۳/۴۹۰۴	۰/۰۰۰۲
FO_{it}	LLC	-۳/۶۴۰۴	۰/۰۰۰۱

منبع: محاسبات پژوهش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

ب: آزمون اف-لیمر

برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آماره اف-لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه H_0 بیانگر یکسان بودن عرض از مبدأها داده‌های تلفیقی و فرضیه مخالف H_1 نشان‌دهنده ناهمسانی عرض از مبدأها (داده‌های تابلویی) است.

جدول (٤): نتایج آزمون اف-لیمر

آماره	مقدار	P-value	نتیجه
آزمون اف- لیمر	۲۲.۹۳	۰.۰۰۰۰	داده‌های تابلویی

منبع: محاسبات پژوهش

ازاین‌رو، جدول (۴) نتیجه تخمین این آزمون را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از جدول (۴) دلالت بر معنی‌دار بودن استفاده از روش داده‌های تابلویی به‌جای روش حداقل مربعات تلفیقی دارد.

ج: آزمون هاسمن

برای تشخیص اینکه برآورد مدل در قالب کدام یک از اثرهای ثابت یا تصادفی انجام شود از آزمون هاسمن استفاده می‌کنیم اگر مقدار P-value محاسبه‌شده بیشتر از سطح خطای ۵٪ باشد، باید از روش اثرات تصادفی استفاده کرد. در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده می شود.

جدول (۵): نتایج آزمون هاسمن

آزمون	مقدار	P-value	نتیجه
هاسمن	۱۹.۰۰	۰.۰۱۴۸	اثرات ثابت

منبع: محاسبات پژوهش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نتایج در جدول (۵) نشان می‌دهد فرضیه اثرات ثابت پذیرفته می‌شود؛ بنابراین با توجه به نتایج آزمون‌های اف- لیمر و هاسمن، مدل رگرسیون از نوع داده‌های پانل با اثرات ثابت است.

٤-۳. آزمون نسبت درست نمایی[1]

فرضیه صفر این آزمون بیان‌کننده نبود خودهمبستگی فضایی در بین اجزاء اخلال می‌باشد. اگر نتایج آزمون معنادار باشد خودهمبستگی فضایی تائید می‌شود.

جدول (۷): نتایج آزمون درستنمایی

آزمون	مقدار آماره	احتمال
LRT	۲۷.۵۹	۰.۰۰۰۴

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج آزمون در جدول (۷) حاکی از رد فرضیه صفر است؛ و نشان دهند تائید وجود خودهمبستگی فضایی در منطقه است. پس می‌توان از اقتصادسنجی فضایی استفاده کرد.

٤-٤. آزمون والد و خطای فضایی

برای انتخاب بهترین مدل بین مدل‌های SAR [2] و SDM [3] و SEM [4] و SAC [5] از این آزمون استفاده می‌کنیم. نتایج آزمون به‌صورت زیر است:

[1] Likelihood-ratio test
[2] Spatial Autoregressive Model
[3] Spatial Durbin Model
[4] Spatial Error Model
[5] Spatial Autocorrelation Model

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول (۸): آزمون والد و خطای فضایی انتخاب بین مدل *SAR* و *SDM* و *SEM* فقر

آزمون	مدل‌ها	مقدار آماره	احتمال
والد	*SAR,SDM**	۴۷.۳۴	۰.۰۰۰۰
خطای فضایی	*SEM,SDM**	۳۱.۲۴	۰.۰۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

در جدول (۸) نتایج آزمون نشان می‌دهند فرضیه صفر مبنی بر مناسب بود مدل SAR و SEM رد می‌شـود و مدل SDM پذیرفته می‌شـود. برای انتخاب بین SDM و SAC از آماره آکائیک اسـتفاده می‌کنیم بهترین مدل انتخابی الگویی خواهد بود که از کمترین میزان معیار اطلاعات برخوردار باشد.

جدول 0: نتایج آزمون AIC

آزمون	SDM	SAC
AIC	۳۵۴.۳	*۳۵۰.۲

منبع: محاسبات پژوهش

با توجه به نتایجی که در جدول (۹) به‌دست‌آمده است مدل SAC مدل خودهمبسته فضایی از بین سایر الگوهای فضایی انتخاب می‌شود.

۵. برآورد مدل نهایی

در این قسمت به تخمین مدل و داده‌های پانل فضایی با استفاده از نرم‌افزار استاتا[1] خواهیم پرداخت. معادله (۱) را برآورد می‌کنیم و نتایج آن را بررسی خواهیم کرد.

بنابراین به بررسی اثرات ثابت می‌پردازیم و نتایج این مدل در جدول (۱۰) برآورد شده است.

[1] STATA

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول (۱۰): *تخمین مدل اثرات ثابت SAC فقر*

متغیر	ضرایب	آماره z	مقدار P-VALUE
Y_{it}	۳/۴۷۷۹۹۹	۲/۰۹	۰/۰۳۷
Cor_{it}	۰/۹۱۰۷۸۱	۱/۷۶	۰/۰۷۸
Law_{it}	۰/۹۴۳۲۴-	۰/۷۳-	۰/۴۶۵
Sta_{it}	۰/۰۱۳۱۱۷۱	۲/۹۹	۰/۰۰۳
Bur_{it}	۰/۵۱۰۷۹۶۵	۲/۳۰	۰/۰۲۱
Dem_{it}	۰/۰۶۳۹۳۸۹	۲/۶۸	۰/۰۰۷
DO_{it}	۰/۱۳۴۷۳۶۱	۲/۵۰	۰/۰۱۳
FO_{it}	۱/۲۹۹۰۶۹-	۰/۶۴-	۰/۵۱۳
R^2	۰/۵۷۹۲	–	–

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج مدل در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود که مقدار R^2 برابر با ۵۷/۹۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل توضیح است. ۴۲.۰۸ درصد آن را اجزای دیگر توضیح می‌دهند که جزاخلال است. نتایج نشان می‌دهد که به‌جز دو متغیر رعایت قانون و ثبات دولت بقیه متغیرها در سطح معناداری قابل تفسیر هستند و تأثیر مثبت و مستقیمی بر فقر دارند. رشد اقتصادی با توجه به ضریب (۳.۴۷۷) اثر مثبت و با توجه به میزان آماره z (۲.۰۹) معنادار است. عوامل نهادی هم به‌جز رعایت قانون اثرات مثبت و معناداری بر کاهش فقر دارند. سرمایه‌گذاری داخلی با توجه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

به ضریب (۰/۱۳۴) اثر مثبت و معنادار است. سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به ضریب (۱.۲۹۹-) اثر منفی و معنادار نیست.

همچنین توجه به ضریب rho در جدول (۱۱) معناداری این آماره بیانگر این است که محل انتشار اثرات فضایی از متغیر وابسته و هم اجزای اخلال ناشی می‌شود. نتایج ضریب خود رگرسیون فضایی rho در جدول زیر مشاهده می‌شود که با توجه به نتیجه در هر مدل انتشارات اثرات فضایی از متغیر وابسته و جملات اخلال ناشی می‌شود. مقدار ضریب خود رگرسیون فضاییrho به‌دست‌آمده برابر ۰/۰۶ است که نشان می‌دهد درصورتی‌که عوامل مؤثر در افزایش فقر دریک کشور به میزان یک درصد افزایش یابد، به‌طور متوسط فقر در کشورهای مجاور به‌اندازه ۰/۰۶ درصد افزایش می‌یابد.

جدول (۱۱): نتایج اثرات فضایی *RHO*

حالت فضایی	مقدار	ضریب
rho	۰.۰۶۳۲۰۴۸	۰.۰۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

۵-۱. نتایج برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل

در مدل فضایی، می‌توان اثرات مستقیم و اثرات غیرمستقیم و اثر کل را تفکیک کرد به عبارتی از طریق اثرات مستقیم و غیرمستقیم می‌توان پارامترهای رگرسیون خطی را تفسیر کرد (عسکری و شفیعی ۱۳۹۵). اثر مستقیم نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای مستقل در خود آن کشور و سرریزهای فضایی درون کشوری است به‌طورکلی مشتق جزئی متغیر وابسته هر کشور نسبت به متغیرهای مستقل همان کشور است. اثرات غیرمستقیم از تفاوت اثر کل و اثر مستقیم به دست می‌آید که اثرات تغیر متغیرهای توضیحی در یک کشور نسبت به دیگر کشورهای منطقه نشان می‌دهد اثرات سرریز فضایی سایر کشورها است. اثر کل مشتق جزئی متغیر وابسته به میانگین وزنی متغیر توضیحی است. نتایج برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل در جدول (۱۲) ارائه‌شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول (۱۲): نتایج اثرات مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل

متغیر	اثرات مستقیم			اثرات غیرمستقیم			اثر کل		
-	ضرایب	z	P>[Z]	ضرایب	z	P>[Z]	ضرایب	z	P>[Z]
Y_{it}	۲.۰۹۸	۲.۰۲	۰.۰۴۳	۰.۹۸۰۲۸	۱.۷۴	۰.۰۸۳	۱.۰۶۰۵۶	۱.۸۱	۰.۰۷۰
Cor_{it}	۰.۸۷۸	۱.۸۰	۰.۰۷۳	۰.۱۰۴۴۴۸۹	۱.۷۱	۰.۰۸۸	۰.۹۸۳۱۰۹	۲.۳۱	۰.۰۲۱
Law_{it}	۰.۲۱۲	۰.۳۸	۰.۷۰۷	−۰.۸۸۰۱۹۴	۰.۶۵	۰.۵۱۸	−۰.۶۶۷۳۰۴	۱.۴۸	۰.۱۳۸
Sta_{it}	۰.۰۲۴	۱.۷۶	۰.۰۷۸	۰.۰۲۱۳۶۱۷	۲.۱۴	۰.۰۳۳	۰.۰۴۵۴۰۲	۲.۷۲	۰.۰۰۷
Bur_{it}	۰.۳۰۷	۲.۰۲	۰.۰۴۳	۰.۱۸۶۱۱۵۷	۰.۲۱	۰.۸۳۴	۰.۴۹۳۳۱۵	۰.۲۴	۰.۸۱۲
Dem_{it}	۰.۰۴۴	۱.۹۱	۰.۰۵۵	۰.۰۲۱۵۳۸۳	۱.۸۱	۰.۰۷۰	۰.۰۶۶۰۰۱	۳.۳۱	۰.۰۰۱
DO_{it}	۰.۱۲۱	۲.۵۶	۰.۰۱۰	۰.۰۳۰۹۸۵۶	۱.۷۱	۰.۰۸۷	۰.۱۵۲۶۶۸	۲.۶۳	۰.۰۰۸
FO_{it}	-۰.۹۳۱	۰.۱۷	۰.۸۶۳	۰.۲۷۳۰۶۸۸	۰.۲۴	۰.۸۰۸	-۰.۶۵۸۱۴۵	-۰.۲۵	۰.۷۹۹

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج نشـان می‌دهد که اثر مسـتقیم رشـد اقتصـادی به ازای افزایش ده درصـد به میزان (۰/۲) درصـد اثر مثبت بر فقر در همان کشـور دارد و نتایج اثر غیرمسـتقیم رشـد اقتصـادی نیز با توجه به معناداری مثبت بیانگر اثر خارجی مثبت بر فقر سایر کشورها است. اثر کل رشد اقتصادی هم مثبت و معنادار است.

متغیرهای عوامل نهادی هم از پنج متغیر مطرح‌شـده در نتایج اثر مسـتقیم چهار متغیر اثر مثبت و معناداری دارند که نتایج اثر مستقیم متغیر کنترل فساد نشان دهند آن است که با افزایش ده‌درصدی به میزان (۰.۸۷) درصـــد تأثیر مثبت بر فقر آن ناحیه دارد نتایج اثر غیرمســـتقیم آن مثبت و معنادار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

است که حاکی از اثر خارجی مثبت بر فقر دیگر کشورها دارد اثر کل کنترل فساد مثبت و معنادار است. یکی دیگر از متغیرهای عوامل نهادی رعایت قانون است که نتایج اثر مستقیم آن مثبت ولی بی‌معنی است اثر غیرمستقیم و اثر کل آن منفی و بی‌معنی است. نتایج اثر مستقیم متغیر ثبات دولت مثبت و معنادار است و با افزایش یک‌درصدی به میزان (۰.۰۲) درصد تأثیر مثبت بر فقر همان ناحیه دارد نتایج اثر غیرمستقیم آن مثبت و معنادار است که حاکی از اثر خارجی مثبت بر فقر دیگر کشورها دارد اثر آن نیز مثبت و معنادار است. نتایج اثر مستقیم متغیر شاخص بروکراسی مثبت و معنادار است و با افزایش یک‌درصدی به میزان (۰.۳۰) درصد تأثیر مثبت بر فقر همان ناحیه دارد نتایج اثر غیرمستقیم آن مثبت و بی‌معنی است اثر کل آن نیز مثبت و بی‌معنی است. نتایج اثر مستقیم شاخص دموکراسی مثبت و معنادار است و با افزایش یک‌درصدی به میزان (۰.۰۴) درصد تأثیر مثبت بر فقر همان ناحیه دارد نتایج اثر غیرمستقیم آن مثبت و معنادار است که حاکی از اثر خارجی مثبت بر فقر دیگر کشورها دارد اثر آن نیز مثبت و معنادار است.

نتایج اثر مستقیم سرمایه گذرای داخلی مثبت و معنادار شده است با افزایش یک‌درصدی به میزان (۰.۱۲) درصد تأثیر مثبت این متغیر بر فقر در همان ناحیه دارد. اثر غیرمستقیم آن نیز معنادار و مثبت است که نشان دهند اثر خارجی مثبت بر سایر کشورها است اثر کل نیز معنادار و مثبت است. اثرات مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل سرمایه‌گذاری خارجی منفی و بی‌معنی است.

٦. نتیجه‌گیری

عوامل نهادی به‌صورت فضایی باعث کاهش فقر در کشورهای منتخب آسیا می‌شود.

نتایج مدل (SAC مدل خودهمبسته فضایی) نشان می‌دهد که عوامل نهادی تأثیرات مثبت و معناداری بر فقر دارند. نتایج اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل نهادی نیز بیان می‌کند که تغییر عوامل نهادی در یک ناحیه خاص بر خود ناحیه و به‌طور غیرمستقیم بر سایر نواحی نیز اثرگذار است: بنابراین افزایش کیفیت عوامل نهادی، تنها محدود به مرزهای هر کشور نبوده و به کشورهای مجاور نیز سرریز می‌کند. کیفیت عوامل نهاد با تأثیرگذاری‌های درزمینه های پاسخگو بودن دولت باعث بهبود عملکرد دولت می‌شود. هرچقدر کیفیت عوامل نهادی بهبود یابد باعث شفافیت و حساب پذیری و بهبود درآمد می‌شود. محرومیت‌های سیاسی و اقتصادی می‌تواند باعث عدم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

دسترسی گروهی از افراد به خدمات اجتماعی (تحصیلات، پزشکی و ...) و برنامه‌های کاهش فقر و عوامل تولید (زمین، نیرو کار و سرمایه ...) شود؛ بنابراین رفاه و کیفیت زندگی افراد محروم شده پایین می‌آید که کیفیت بالای دموکراسی و اراده سیاسی و نهادهای اقتصادی می‌تواند باعث جلوگیری از این محرومیت‌ها شود(بانک جهانی[1]، 2020 :بانک توسعه آسیا،2021). قانون‌گذاری و پیاده‌سازی درست آن می‌تواند رشد اقتصادی را به نفع فقرا بالا ببرد یعنی منافع آن بیش از افراد غیر فقیر متوجه افراد فقیر شود. اصلاح بوروکراسی و خدمات مدنی است که سازوکارهای قوانین داخلی و محدودیت‌ها را بهبود می‌بخشد و از این طریق کارایی بخش عمومی را ارتقا می‌دهد. به‌طورکلی عوامل نهادی تأثیرات مثبتی بر کاهش فقر دارند. نتایج این پژوهش با نتایج(بهنژاد، 2017: کائودیو و گاکپا،2021: غفاری[2]،2014:آرسیل و همکاران[3]،2022:کهرام[4]،2018: اسدزاده، 2013) که تحقیقات آن‌ها نشان از تأثیر مثبت عوامل نهادی بر کاهش فقر داشته است مطابقت دارد.

رشد اقتصادی باعث کاهش فقر در کشورهای منتخب آسیا می‌شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر روی کاهش فقر دارد. نتایج اثرات مستقیم و غیرمستقیم آن نیز مثبت و معناداراست. رشد اقتصادی همراه با فروض (زیرساخت‌های مناسب، سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت،ثبات سیاسی و اقتصادی، عدالت اجتماعی، بهره‌وری و نوآوری) می‌تواند رفاه و فرصت ایجاد کند. رشد قوی و فرصت‌های شغلی جدید ایجاد می‌کند که باعث افزایش درآمد افراد فقیر می‌شود و انگیزه آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری روی فرزندانشان را افزایش می‌دهد رشد اقتصادی قوی باعث پیشرفت توسعه انسانی می‌شود که به‌نوبه خود باعث رشد اقتصادی می‌شود. رشد اقتصادی فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند که سطح بیکاری را کاهش می‌دهد. بیکاری و کمبود اشتغال یکی از بزرگ‌ترین علل فقر نسبی است. رشد اقتصادی باعث می‌شود که دولت‌ها بتواند به ارائه خدمات عمومی ادامه دهند که

[1] World Bank
[2] Ghafari
[3] Aracil et al
[4] Kahram

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

این خدمات مستقیماً به نفع فقرا است. با رشد اقتصادی درآمد خانواده‌ها افزایش می‌یابد درنتیجه توانایی پرداخت هزینه آن‌ها افزایش می‌یابد. در کنار فرآیند رشد پویا، زیرساخت‌های بهبودیافته برای جامعه (ازجمله فقرا) و اصلاحات نهادی باید به‌موازات آن اجرا شود. نتایج این پژوهش با نتایج(گزارش رشد و توسعه،2008 : دلار و کرایی،2001 :HDR, 2003 : رودریک2000:آدامز , Panagariya, :2004 پاناگاریا ، 2010: کائودیو و گاکپا[1]،2021 : آرلاندو[2]،2020: خداپرست و داودی[3]،2014) که تحقیقات آن‌ها نشان از تأثیر مثبت رشد اقتصادی بر کاهش فقر داشته است مطابقت دارد.

سرمایه‌گذاری داخلی باعث کاهش فقر در کشورهای منتخب آسیا می‌شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر کاهش فقر دارد. اثرات سرریز فضایی سرمایه‌گذاری داخلی نیز مثبت است. سرمایه‌گذاری داخلی در زیرساخت‌های نظیر امکانات آموزشی و بهداشتی و برق‌رسانی و آب‌رسانی حمل نقل باعث افزایش رفاه زندگی مناطق محروم می‌شود و تأثیر مثبتی بر کاهش فقر خواهد داشت. سرمایه‌گذاری داخلی اغلب با رشد اقتصادی همراه است ما رشد اقتصادی به‌هیچ‌وجه به‌طور کامل توسط سرمایه‌گذاری داخلی توضیح داده نمی‌شود و در اصل این امکان وجود دارد که کاهش فقر بیشتر اتفاق بیفتد. نتایج مطالعات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بریتانیا نشان می‌دهد که یک ارتباط آماری ساده بین سرمایه‌گذاری و فقر وجود دارد که نشان دهند کشش تقریباً دو است. این بدان معنی است که وقتی نرخ انباشت سرمایه یک درصد افزایش می‌یابد انتظار می‌رود نرخ کاهش فقر یک درصد افزایش یابد نتایج تحقیق با نتایج(کارتر[4]، 2021 :ساوادوگو و سمدو[5]،2022) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از مدل خودهمبسته فضایی (SAC) نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و کیفیت عوامل نهادی تأثیرات مثبتی در کاهش فقر دارند. همچنین، افزایش سرمایه‌گذاری داخلی نیز به کاهش فقر کمک می‌کنند. اثرات فضایی فقر نشان می‌دهد که افزایش فقر در یک کشور می‌تواند

[1] Kouadio & Gakpa
[2] Erlando
[3] Khodaperst & Daudi
[4] Carter
[5] Sawadogo & Semedo

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

فقر در کشورهای مجاور را نیز افزایش دهد. به‌طور کلی، رشد اقتصادی می‌تواند رفاه را افزایش دهد و فرصت‌های جدیدی ایجاد کند. سیاست‌های حمایتی از رشد اقتصادی، مانند توسعه مالی و ثبات اقتصادی، محیط مناسبی برای خانوارهای فقیر فراهم می‌کنند تا تولید و درآمد خود را افزایش دهند.

نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که توسعه نهادی و کیفیت بهتر نهادها (مانند کنترل فساد، ثبات دولت، و دموکراسی) تأثیر مثبتی بر کاهش فقر دارند. کیفیت نهادی بهتر باعث بهبود توزیع منابع و کاهش فقر در بلندمدت می‌شود. نهادهای قوی و قابل‌اعتماد می‌توانند جذب سرمایه‌گذاری و تسهیل تجارت بین‌المللی را افزایش دهند

تحقیق همچنین تأثیرات مثبت سرمایه‌گذاری داخلی بر کاهش فقر را تأیید می‌کند. افزایش سرمایه‌گذاری باعث افزایش تولید، درآمد، و رفاه و کاهش بیکاری می‌شود. اثرات سرریز سرمایه‌گذاری داخلی می‌تواند انتقال دانش و فناوری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در سایر مناطق را تسهیل کند.

در نتیجه، سیاست‌هایی که به همراه رشد اقتصادی، توسعه نهادی مثبت و افزایش سرمایه‌گذاری داخلی اجرا می‌شوند، می‌توانند تأثیرات قابل‌توجهی در کاهش فقر در داخل کشورها و سایر مناطق داشته باشند. این سیاست‌ها باید به توسعه دائم، ایجاد فرصت‌های برابر و تسهیل دسترسی به منابع مالی برای افراد محروم توجه کنند.

۷. پیشنهادات پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد کیفیت عوامل نهادی تأثیر مثبتی بر کاهش فقر دارند اهمیت بالای کیفیت عوامل نهادی را بیان می‌کند که کشورها می‌توانند با افزایش کیفیت عوامل نهادی فقر را کاهش دهند.

نتایج تحقیق اثر مثبت سرمایه‌گذاری داخلی بر کاهش فقر را تائید می‌کند. در کشورهای آسیایی هرچقدر سرمایه‌گذاری داخلی بخصوص در مناطق محروم افزایش یابد باعث کاهش فقر و افزایش رفاه مناطق محروم می‌شود. برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری داخلی در مناطق محروم پیشنهاد می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نتایج تحقیق حاکی از آن است که تأثیرات فضایی بین کشورهای آسیایی به شکل مثبت و معناداری می‌باشد؛ بنابراین، کشورهای آسیایی می‌توانند با ایجاد اتحادیه‌ها و برگزاری کنفرانس‌های مشترک در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی می‌تواند به تقویت روابط منطقه‌ای بین کشورها کمک نموده و تبادل دانش و تجربیات را تسهیل نماید.

۸. محدودیت‌های تحقیق

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، محدودیت اطلاعات و آمار دقیق و کامل است. این کمبود ممکن است باعث کاهش دقت نتایج شود، زیرا داده‌ها ممکن است به دلیل عدم ثبت مناسب یا دست‌کاری، تغییر کرده باشند. برای داده‌های ناقص، از میانگین دو سال گذشته استفاده شده است. به دلیل نبود داده‌های کامل، کشور افغانستان از میان کشورهای منتخب حذف شد. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده محدود به کشورهای مورد بررسی است و نباید به سایر کشورها تعمیم داده شود.

References

Acemoglu, D. Johnson, S. & Robinson, J.A. (2005). Institutions as a fundamental cause of long-run growth. Handbook of economic growth, 1, 385-472. https://doi.org/10.1016/S1574-0684(05)01006-3.

Adams Jr, R. H. (2004). Economic growth, inequality and poverty: estimating the growth elasticity of poverty. World development, 32(12), 1989-2014...https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2004.08.006

Ahmadpour Kachou, D., & Dehmarde, N. (2019). The Effect of Financial Development and Institutional Quality on Economic Growth in OECD Countries. Economics and Regional Development, 20(11), 3. (in Persian)

Appiah-Otoo, I. Chen, X. Song, N. & Dumor, K. (2022). Financial development, institutional improvement, poverty reduction: The multiple challenges in West Africa. Journal of Policy Modeling, 44(6), 1296-1312. https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2022.11.002.

Asadzadeh, A., Heidari Dad, Z., & Jameh Shoorani, Z. (2011). Investigating the Relationship between Foreign Direct Investment and Institutional Quality on Poverty. Journal of Development and Capital, 4(1), 26-27. (in Persian)

Asadzadeh, J. (2015). Shadow Economy and Income Inequality in Iran. Economic Modeling Quarterly, 9(30), 91-109. (in Persian)

Asian Development Bank. (2021). Key Indicators for Asia and the Pacific 2021

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Askari, Bint Al-Hadi, and Shafi'i Kakhki, Maryam. (2015). Business potential of Eco Union: Application of dynamic space with consideration of space overflow management. Regional Economics and Development (Knowledge and Development), 23(11), 167-197. SID https://sid.ir/paper/212869/fa

Asongu, S. A. & Eita, J. H. (2023). The Conditional Influence of Poverty, Inequality, and Severity of Poverty on Economic Growth in Sub-Saharan Africa. Journal of AppliedSocialScience, 17(3),372384. https://doi.org/10.1177/19367244231171821.

Ayubi, S. A. (2021). The Relationship between Institutional Quality and Economic Growth in Afghanistan. (Master's thesis). University of Sistan and Baluchestan. (in Persian)

Ayubi, Shabir Ahmad (2021). The relationship between institutional quality and economic growth in Afghanistan. Masters. University of Sistan and Baluchestan . (In Persian).

Azizi, Z., Barari, A., & Ahmadpour Kachou, A. (2021). The Impact of Institutional Quality on Financial Development (Case Study: Developing Countries in the Eurasia Region). Journal of Economic Studies and Policies, 8(1), 247-274. (in Persian)

Behnejad, Saeeda (2017). The role of institutional conditions in the impact of economic growth on poverty and income inequality. Masters. Mashhad Ferdowsi University. .(In Persian).

Behnezhad, S. (2018). The Role of Institutional Conditions in the Effect of Economic Growth on Poverty and Income Inequality. (Master's thesis). Ferdowsi University of Mashhad. (in Persian)

Britannica,T.(2023).EditorsofEncyclopaediapovertyEncyclopediaBritannica.https://www.britannica.com/topic/poverty.

Carter.P.(2021). Investment and poverty reduction.British International Investment (bii.co.uk)

Chen, S., & Ravallion, M. (2010). The developing world is poorer than we thought, but no less successful in the fight against poverty. The Quarterly JournalofEconomics,125(4),15771625.https://doi.org/10.1162/qjec.2010.125.4.1577.

Chenery, H. Ahluwalia, M. Bell, C. Duloy, J. Jolly, R. (1974). Redistribution with growth: policies to improve income distribution in developing countries. New York, Oxford: Oxford University Press.

Chong, A., & Calderon, C. (2000). Institutional quality and income distribution. Economic Development and Cultural Change, 48(4), 761-786.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Chong, A., & Gradstein, M. (2007). Inequality and institutions. The review of Economics and Statistics, 89(3),465.https://doi.org/10.1162/rest.89.3.454

Commons, J. R. (1931). Institutional economics. The American economic review, 648-657.

Daniil Filipenco (2022). How does poverty impact modern society. How does poverty impact modern society DevelopmentAid.

Datt, G. Ravallion, M. (1992). Growth and distribution components of changes in poverty: a decomposi-tion to Brasil and India in the 1980s, Journal of Development Economics 38(2): 275–295.

Dollar, D. & Kraay, A. (2000). Property rights, political rights, and the development of poor countries. Paper prepared for Economic history association meetings, Los Angeles, September.

Dollar, D.& Kray, A. (2001). Trade, Growth, and Poverty. World Bank Policy Res. Working Paper: (2615). doi: 10.9734/SAJSSE/2019/v3i330106.

Dong, Y., Jin, G., Deng, X., & Wu, F. (2021). Multidimensionalmeasurement of poverty and its Spatio-temporal dynamics in china from the perspective of development geography. Journal of Geographical Sciences, 31(1), 130–148. https://doi.org/10.1007/s11442-021-1836-x

EkParivartan,(2021).HowDoesPoverty Affect Economic Growth.

Erlando, A. Riyanto, F. D. & Masakazu, S. (2020). Financial inclusion, economic growth, and poverty alleviation: evidence from eastern Indonesia. Heliyon, 6(10), e05235. http://dx.doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e05235.

Ghaffari, M. (2013). Poverty Reduction Strategies: An Institutional Economics Approach. Quarterly Journal of Planning and Budgeting, 19(4), 215-242. (in Persian)

Gidigbi, M. O. (2023). Assessing the impact of poverty alleviation programs on poverty reduction in Nigeria: Selected programs. Poverty & Public Policy. https://doi.org/10.1002/pop4.358.

Godarst, D., & Azadeh, D. (2013). Government Expenditures and Poverty and Inequality Reduction: Strategic and Macro Policies. Strategic and Macro Policies, 1(4), 37-50. (in Persian)

Gonzalo Gómez-Bengoechea, Olga Moreno-de-Tejada,(2022),Institutional quality and the financial inclusion-poverty alleviation link: Empirical evidence across countries, Borsa Istanbul Review,Volume 22, Issue 1, ,Pages 179-188,ISSN 2214-8450, https://doi.org/10.1016/j.bir.2021.03.006.

Hamid Kahrami, (2018). Investigating the role of institutional quality in the effect of economic sanctions on the poverty gap in Iran, Master's thesis, Supervisor: Karim

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Islamluian, Shiraz University - Faculty of Economics, Management and Social Sciences .(In Persian).

HDR. (2003). Human Development Report. Millenium Development Goals: A compact among nations to end human poverty. UNDP, New York: Oxford University Press.

Hodgson Geoffrey M. (2006) What Are Institution? Journal of Economic issues, Vol. XL No. 1 March 2006

Hodgson, G.M. (2006). What Are Institutions. J. Economic issues, xl(1):Pp 1-25. https://doi.org/10.1080/00213624.2006.11506879

Jones, E. L. (1981). The European miracle: Environments, economies and geopolitics in the history of Europe and Asia. Cambridge: Cambridge University Press.

Kahromi, H. (2020). Investigating the Role of Institutional Quality in the Impact of Economic Sanctions on the Poverty Gap in Iran. (Master's thesis). Shiraz University. (in Persian)

Kakwani, K. (1993). Poverty and economic growth with application to Cote D'Ivoire, Review of Income and Wealth 39(2): 121–139. http://dx.doi.org/10.1111/j.1475-4991.1993.tb00443.x.

Keefer, P., & Knack, S. (1997). Why don't poor countries catch up? A cross-national test of an institutional explanation. Economic inquiry, 35(3), 590-602.

Keho, Y. (2012). Le rôle desfacteursinstitutionnels dansle développement financier et économique des pays de l'UEMOA. Revue Economique et Monétaire, 12.

Keho, Y. (2017). Financial development and poverty reduction: Evidence from selected African countries. International Journal of Financial Research, 8, 90–98. DOI: 10.5430/ijfr.v8n4p90

Khodaparast, D., & Davoodi, A. (2013). Government Expenditures and Poverty and Inequality Reduction: Strategic and Macro Policies. Strategic and Macro Policies, 1(4), 37-50. (in Persian)

Knack, S. & Keefer, P. (1997). Why don't poor countries catch up A cross national test of an institutional explanation. Economic Inquiry, 35, 590–602.

Kouadio, H. K. & Gakpa, L. L. (2021). Do economic growth and institutional quality reduce poverty and inequality in West Africa? Journal of Policy Modeling, 44(1), 41-63. https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2021.09.010.

Labony, S. A., Haque, M. S., Rahman, F., Shahabuddin, A. M., & Sultana, T. (2024). The financial development, institutions, and poverty reduction: Empirical evidence from South Asian countries. Bangladesh Journal of Multidisciplinary Scientific Research, *9*(1), 32–41.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Liu, M., Hu, S., Ge, Y., Heuvelink, G. B., Ren, Z., & Huang, X. (2021). Using multiple linear regression and random forests to identify spatial poverty determinants in rural China. Spatial Statistics, 42, 100461. https://doi.org/10.1016/j.spasta.2020.100461.

Luo, X., Wan, Q., Jin, G. et al (2021). Fluctuation and Spillover: Poverty Reduction Effect of Rural Public Expenditure Scale Based on Spatial Poverty. Appl. Spatial Analysis 14, 247–272. https://doi.org/10.1007/s12061-020-09356-1.

Mashaikh, Shahnaz, & Pourfakhrian, Parvin. (1401). Investigating the relationship between profit management and the composition of the board of directors with profit continuity in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Journal of Financial Accounting Research, 14(4), 137-158. doi: 10.22108/far.2023.137545.1967

Milli Lake, Rachael S Pierotti, Arthur Alik-Lagrange, Resilience, Vulnerability, and Social Isolation: Barriers to Poverty Reduction in War, International Studies Quarterly, Volume 67, Issue 4, December 2023, sqad075, https://doi.org/10.1093/isq/sqad075.

Ndzembanteh, A.N., Fonchamnyo, D.C. & Ngangnchi, F.H. Modeling the role of institutions on poverty and environmental sustainability: a panel analysis for British and French ex-colonies in Africa. SN Bus Econ 4, 25 (2024). https://doi.org/10.1007/s43546-024.

Niaz Asadullah, Antonio Savoia ,(2018)Poverty reduction during 1990–2013: Did millennium development goals adoption and state capacity matter,?World Development,Volume 105, Pages 70-82,ISSN 0305-750X,https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.12.010.

North, D. C. (1981). Structure and change in economic history. Norton & Co.

North, D. C. (1990). Institutions and economic growth: An historical introduction. World development, 17(9), 1319-1332. https://doi.org/10.1016/0305-750X(89)90075-2.

Olaoye, O. O. (2022). Interrogating sub-Saharan Africa's high economic growth rate and low poverty reduction rate: A poverty paradox Journal of Public Affairs, e2851. https://doi.org/10.1002/pa.2851.

Perotti, R. (1996). “Growth, Income Distribution and Democracy: What the Data Say”, Journal of Economic Growth, 1(2):149–187

Person, T. Tabellini, G.(1994). Is inequality harmful for growth? American Economic Review 84(3): 600–621.

Qin, Gao , ,Alex Jingwei(2022), Poverty alleviation in Asia: future directions in measurement, monitoring, and impact evaluation, Journal of Asian Public Policy ,N1 - doi: 10.1080/17516234.2021.2014627.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Ravallion, M. & Chen, S. (2003). Measuring pro-poor growth. Economic Letters, 78(1), 93–99. https://doi.org/10.1016/S0165-1765(02)00205-7.

Ravallion, M. & Chen, S. (2007). China's (uneven) progress against poverty. Journal of Development Economics, 82, 1–42.

Ravallion, M. (1998). "Does Aggregation Hide the Harmful Effects of InequalityonGrowth?,EconomicLetters,61:73.77.https://doi.org/10.1016/S0165-1765(98)00139-6.

Rodrik, D. (2000). Croissance ou lutte contre la pauvreté. Un débat futile. Finances & Développement, 37(4), 8–9.

Rodrik, D. (2004). Industrial policy for the twenty-first century. Available at SSRN 666808.

Rodrik, D. (2007). Growth building jobs and prosperity in developing countries. Departement for International Development, 1-25.

Saidi, Y., Labidi, M.A. & Ochi, A. Economic Growth and Extreme Poverty in Sub-Saharan African Countries: Non-Linearity and Governance Threshold Effect. J Knowl Econ (2023). https://doi.org/10.1007/s13132-023-01421-7.

Sawadogo, R. & Semedo, G. (2021). Financial inclusion, income inequality, and institutions in sub-Saharan Africa: Identifying cross-country inequality regimes. International Economics, 167, 15-28. https://doi.org/10.1016/j.inteco.2021.05.002.

Sirén, S. (2024). When growth is not enough: Do government transfers moderate the effect of economic growth on absolute and relative child poverty? Global Social Policy, 24(1), 46-78. https://doi.org/10.1177/14680181231205376.

Škare, M. & Pržiklas Družeta, R. (2016). Poverty and economic growth: a review. Technological and Economic Development of Economy, 22(1), 156-175. https://doi.org/10.3846/20294913.2015.1125965.

Stiglitz, E. J. (2011). Strategies for African development. In Good growth and governance in Africa: Rethinking devel opment strategies. Oxford: Unive. https://doi.org/10.1016/j.econmod.2013.09.049.

Tebaldi, E., & Mohan, R. (2010). Institutions and poverty. The journal of developmentstudies, 46(6),10471066.https://doi.org/10.1080/00220380903012730

The Editors of Encyclopaedia Britannica. (2023). Poverty. In Encyclopaedia Britannica. Retrieved from https://www.britannica.com/topic/poverty

Uddin, G. S. Shahbaz, M. Arouri, M. & Teulon, F. (2014). Financial development and poverty reduction nexus: a cointegration and causality analysis in Bangladesh. Economic Modelling, 36, 405–412.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Wang, Z., Ma, D., Zhang, J., Wang, Y., & Sun, D. (2023). Does urbanization have spatial spillover effect on poverty reduction: empirical evidence from rural China. EconomicResearch-EkonomskaIstraživanja, 36(1). https://doi.org/10.1080/1331677X.2023.2167730.

World Bank (2020). Poverty and Shared Prosperity 2020: Reversals of Fortune. Washington, DC: World Bank. doi: 10.1596/978-1-4648-1602-4. License: Creative Commons Attribution CC BY 0/3 IGO.

World Bank. (2020). Poverty and Shared Prosperity 2020: Reversals of Fortune.

World Bank. (2002). The World Bank Annual Report.

World Bank. (2023). The World Bank Annual Report.

World Bank. (2024). The World Bank Annual Report

Zhang, R. & Naceur, S. B. (2019). Financial development, inequality, and poverty: Some international evidence. International Review of Economics & Finance, 61, 1-16. https://doi.org/10.1016/j.iref.2018.12.015.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]